Archive of SID

مطالعهٔ پیامدهای ورود تکنولوژی و صنعت به مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی براساس مدل ترکیبی

محمد توکل،* جلیل سحابی**

چکیده

هدف این مطالعه بررسی پیامدهای ورود تکنولوژی و صنعت به مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی براساس مدل ترکیبی است. اطلاعات این مطالعه براساس ۷ گروه محوری، ۶۰ مصاحبهٔ عمیق و ۴۰۱ پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته و ترکیبی از نمونه‌گیری نظری، هدفمند و احتمالی به‌دست آمده است. یافته‌های بخش کمی مبین آن است که در زمینهٔ نگرش به سازه‌هایی ازقبیل عقلانیت، رقابت و نگرش به زمان تفاوت معنی‌داری حداقل بین یکی از نمونه‌های خارج از نظام کارخانه‌ای و کارکنان مشغول به کار در کارخانه‌ها وجود داشت. با وجود این، تفاوت معنی‌داری بین دو متغیر مکان و انگیزهٔ خوشبختی و مکان و نگرش به حقوق زنان وجود نداشت. نتایج تحلیل طبقات چندگانه مبین آن است که اگرچه متغیر مکان عامل مهمی برای ایجاد تغییرات ارزشی- هنجاری در جامعهٔ تحت مطالعه است، با کنترل ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی پاسخگویان، واکنش آنها دربرابر تغییرات ارزشی-هنجاری در نظام کارخانه‌ای و غیرکارخانه‌ای مشابه می‌شود. یافته‌های بخش کیفی مبین آن است که ورود تکنولوژی‌های جدید صنعتی به مناطق کردنشین باعث رواج ارزش‌های مدرن، ارزش‌های توسعه‌گرایانه، ارزش‌های اخلاقی و عقلانی شده است و هم‌زمان تضعیف ارزش‌های سنتی همچون سنت‌محوری، خدامحوری و قناعت‌پیشگی را به بار نیاورده است. ازسوی دیگر، آلودگی‌های زیست‌محیطی پیامد اجتناب‌ناپذیر کارخانه‌ها بوده است. براین‌اساس در مدل نهایی مفهوم توسعهٔ نامتوازن را پیشنهاد کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: توسعهٔ نامتوازن، روش ترکیبی، مدل ترکیبی، تکنولوژی و صنعت، مناطق کردنشین جنوب آذربایجان‌غربی.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران mtavakkol@gmail.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج jalil.sahabi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۸

مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۱- ۱۰۶

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه و بیان مسئله

یک سیستم صنعتی و تکنولوژی هرگز تماماً فنی نیست و حتی مهم‌ترین موانع توسعهٔ آن جامعه‌شناختی‌اند تا فنی، اقتصادی و مالی. ازسویی دیگر تجربه‌های موفق و ناموفق در دهه‌های اخیر، بر وابستگی علم و تکنولوژی و انتقال و جذب آنها به پارامترهای فراعلمی ـ تکنولوژیکی به‌طور روزافزونی تأکید کرده است (توکل، ۱۳۹۰: ۷ و ۵۵). عملکرد واقعی این سیستم به‌طور هم‌زمان فنی، اقتصادی، سازمانی، سیاسی و حتی فرهنگی است (واجمن، ۲۰۰۶: ۷۷۵؛ دانمید، ۲۰۰۲: ۴۶۵).

ازاین‌رو، مطالعهٔ پیامدهای صنعتی‌شدن یک منطقه از دید جامعه‌شناختی و براساس مدل ترکیبی در دستور کار ما قرار گرفت. براین‌اساس، در مطالعهٔ حاضر به دنبال این مسئله بودیم که بسترهای ورود تکنولوژی‌های صنعتی و نظام کارخانه‌ای را در مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی تحلیل کنیم. سؤال دیگر ما این بود که ورود تکنولوژی صنعتی به مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی چه آثار و پیامدهایی داشته است و درنهایت، درصدد ارائهٔ مدلی برای فهم پیامدهای ورود این پدیده با استفاده از مدل ترکیبی بودیم.

اهمیت این مطالعه در آن است که گرچه مفهوم مرکزی در صنعتی‌شدن، تکنولوژی است، تحقیقات انجام‌شده دربارهٔ کار به‌ندرت از دیدگاه‌های مطالعات اجتماعی دربارهٔ تکنولوژی بهره گرفته‌اند. درحالی‌که تکنولوژی فرآورده‌ای اجتماعی‌ـ فنی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است و تداوم آن نیازمند فاکتورهای اجتماعی‌ـ علمی، سیاسی و اقتصادی است (توکل، ۱۳۸۱: ۲۱؛ ۱۳۷۳: ۱۰۹؛ واجمن، ۲۰۰۶: ۴-۷۷۳).

برای پاسخگویی به این سؤالات برمبنای تحقیق میدانی از مدل ترکیبی استفاده به عمل آمده است. تشکری و تدلی (۱۹۹۸) استدلال می‌کنند که اصطلاح "مدل ترکیبی" بسیار مناسب‌تر از "روش ترکیبی" برای تحقیقی است که در آن رویکردهای متفاوت تحقیق در هر مرحله یا تعدادی از مراحل به‌کار می‌روند. درواقع ترکیب روش‌شناسی‌ها درون طیف وسیعی از رویکردهای کمی و کیفی می‌تواند باعث طرح مسائل متعدد در زمانی شود که از این رویکردها استفاده می‌کنیم (باربور، ۱۹۹۸). روش ترکیبی یک نوع کلی از تحقیق است که در آن روش‌های کمی و کیفی، تکنیک‌ها یا مشخصه‌های پارادایمی دیگر در مطالعه‌ای کلی ترکیب می‌شوند. دو نوع اصلی از روش ترکیبی تمایزپذیر هستند: روش ترکیبی درمقابل مدل ترکیبی. روش ترکیبی روشی است که در آن محقق از پارادایم کیفی برای یک مرحله از تحقیق و از پارادایم کمی برای مرحلهٔ دیگری از تحقیق استفاده می‌کند. مدل ترکیبی تحقیقی است که در آن محقق رویکردهای کمی و کیفی تحقیق را در یک مرحله

www.SID.ir

Archive of SID

از تحقیق با هم یا در طول فرایند تحقیق ترکیب می‌کند. ازاین‌رو، در این مطالعه مناسب دیدیم که به‌جای روش ترکیبی از اصطلاح مدل ترکیبی استفاده کنیم.

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ پیامدهای ورود صنعت به منطقه مطالعات متعددی صورت گرفته است. اکثر این مطالعات نیز اذعان دارند که ازسویی تغییرات فرهنگی تابعی از تغییرات تکنولوژیک، جمعیت‌شناختی و اقتصادی محسوب می‌شود و ازسوی دیگر خود مسئلهٔ تکنولوژی را امری چندبعدی فرض می‌گیرند که یکی از ابعاد آن اجتماعی‌بودن است. برای نمونه فاستر بر این باور است که تغییرات فنی و مادی با تغییر در طرز تلقی، افکار، ارزش‌ها، اعتقادات و رفتار مردمی که این تغییرات را پذیرفته‌اند همراه است. این تغییرات غیرفنی و غیرمادی غالباً چندان مشهود نیستند و به همین جهت غالباً به آنها توجه نمی‌شود و اهمیت آنها تشخیص داده نمی‌شود؛ اما اثر نهایی هر بهبود مادی یا اجتماعی منوط به این است که جنبه‌های فرهنگی مرتبط با آن یا تأثیرپذیر از آن تا چه اندازه می‌تواند با کمترین ازهم‌گسیختگی تغییر یا بهبود تازه را بپذیرد و با آن همراه شود (فاستر، ۱۳۷۸: ۱۲). به شیوه‌ای ضمنی افرادی دیگر ازقبیل اینکلس (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۸۵)، هرسی و بلانچارد (۱۳۸۶: ۱۳۸) نیز این نظر را می‌پذیرند.

افراد دیگری که به ابعاد اجتماعی صنعت می‌پردازند کاپلینسکی و کوپر هستند که در کتاب *تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی* نظرشان را ارائه داده‌اند. کاپلینسکی و کوپر بر این باورند که نوآوری‌های فنی بیش‌از هرچیز روابط اجتماعی را دگرگون کردند:

> نوآوری‌های تکنولوژیکی سبب ایجاد نظم نوینی در صنعت شدند، و گرچه نقطهٔ عطف آغازین از ساخت کارخانه‌ای به ساخت ماشینی در اثر دگرگونی در نیروهای تولید نمودار شد، دگرگونی‌های قاطع روابط اجتماعی تولید بودند که متعاقب آن در گسترش دورهٔ نوین صنعتی در سطح جهانی نقش اساسی بازی کردند (کاپلینسکی و کوپر، ۱۳۷۴: ۲۲).

یکی از مطالعاتی که در این زمینه در ایران به انجام رسیده است، به پیامدهای عمومی نوسازی در یک منطقه از کردستان ایران با عنوان اورامان‌تخت می‌پردازد. براساس این مقوله، مردم اورامان پیامدهای تغییرات اقتصادی را ارتقای معیشتی یا به‌عبارتی بهبود وضعیت زندگی اقتصادی خود تفسیر می‌کنند (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

این مطالعه به ورود عناصر عمومی نوسازی و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی پرداخته است. درحالی‌که مطالعهٔ ما به نقش تکنولوژی و مشخصاً نظام کارخانه‌ای و تأثیر آن بر جامعه و تفاوت نگرش افرادی که در کارخانه و به‌طور روزمره در آن مشغول به‌کار

www.SID.ir

Archive of SID

هستند با افراد خارج از کارخانه می‌پردازد. ازسوی دیگر روش ما ترکیبی است و بخش کیفی یکی از روش‌های مطالعه در این بررسی به‌شمار می‌رود.

چارچوب نظری و مفهومی مطالعه

در رویکرد جبر تکنولوژیک، وایت که یکی از نظریه‌پردازان آن است، تغییرات اجتماعی را به‌دنبال تغییرات تکنولوژیک فرض می‌گیرد. وایت چهار مقوله برای فرهنگ پیشنهاد می‌کند: تکنولوژیکی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و احساسی[1] یا نگرشی[2] (مور، ۲۰۰۹: ۴-۱۸۳). از نظر وایت نظام تکنولوژیکی جنبهٔ بنیادین و اصلی دارد.

در رویکرد دیگر، بر تعامل یا رابطهٔ متقابل تکنولوژی و جامعه تأکید می‌شود. فاستر نیز در این قلمرو جای می‌گیرد. فاستر «به‌ویژه به مطالعهٔ نقش عوامل انسانی در تغییرات فنی و یا جنبه‌های اجتماعی توسعهٔ فنی که در جریان تغییر جوامع سنتی مؤثرند علاقه‌مند است» (فاستر، ۱۳۷۸: ۱۰-۹). در رویکردی سوم، که بر نظریات جامعه‌شناسی تکنولوژی متمرکز است، بر حضور پارامترهای اجتماعی در شکل‌گیری تکنولوژی تأکید می‌شود. این رویکرد به دو دسته تقسیم می‌شود که در یکی از این رویکردها بر تأثیرات، نتایج و تبعات تکنولوژی بر جامعه و پیامدهای آن تمرکز می‌شود. مطالعهٔ ما در این رویکرد قابل ارزیابی است. نظریه‌پردازانی ازقبیل اینگلهارت و ولزل، اینکلس، هرسی و بلانچارد، هابسبام و دانمید در این رویکرد جای می‌گیرند. اینگلهارت به تغییرات ارزشی در جوامع صنعتی و فراصنعتی اشاره می‌کند (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۵۶؛ اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۵). اینکلس و اسمیت نیز همانند اینگلهارت و ولزل به نقش صنعت در تغییرات و طرز تلقی‌ها اشاره کرده‌اند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۸۵). هرسی و بلانچارد نیز به سطوح تغییر اشاره کرده‌اند. آسان‌ترین نوع تغییر ایجاد تغییر در دانش و معرفت است. تغییر در نگرش بعد از آن قرار می‌گیرد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۶: ۱۲). هابسبام (۱۳۸۷) یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که به بررسی نقش صنعت علاقه‌مند است و انقلاب صنعتی را نوعی دگرگونی بنیادین اجتماعی می‌داند.

براساس رویکرد نوسازی جدید نیز سنت مبنایی برای توسعه درنظر گرفته شده است. برخلاف نظریه‌های جهان‌شمولی که فقط یک الگوی توسعه را مدنظر داشتند و سنت را مخالف توسعه می‌دانستند و با توجه به شکست آن برنامه‌ها (برای مثال طرح‌های مختلف در نیجریه) (دانمید، ۲۰۰۲: ۴۶۲) رویکرد جدید نوسازی درصدد بازبینی نظریهٔ نوسازی و

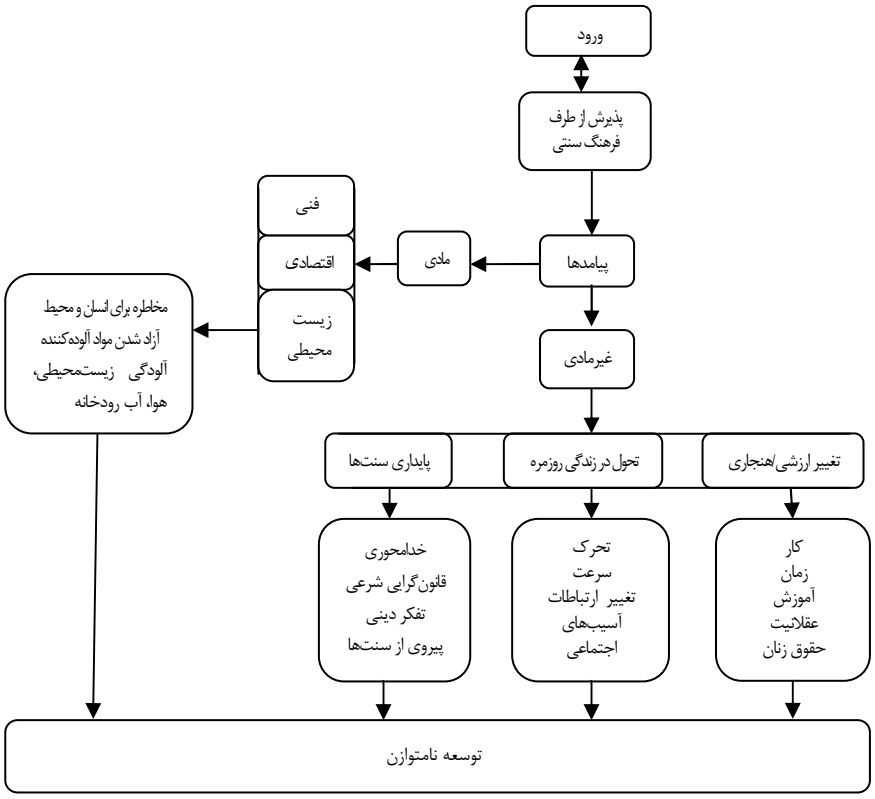
[1] Sentimental
[2] Attitudinal

www.SID.ir

Archive of SID

پیش‌فرض‌های آن برآمده و و در آن بازنگری کرده است. در تحقیقات جدید، سنت و تجدد نه‌تنها می‌توانند با یکدیگر هم‌زیستی داشته باشند، بلکه می‌توانند در هم نفوذ کنند و با یکدیگر امتزاج یابند (سو، ۱۳۸۶: ۸۰).

تکنولوژی اگرچه باعث تغییرات بنیادین در زندگی مردم شده است، خود از زندگی روزمره و مناسبات اجتماعی جدید متأثر می‌شود. براین‌اساس، مدلی ارائه می‌شود که ترکیبی نظری از رویکردها و نظریه‌های ارائه‌شده در این بخش و دربرگیرندهٔ عناصری از نظریه‌های نظریه‌پردازان نوسازی جدید، جامعه‌شناسی تکنولوژی و پایداری اجتماعی‌ـ فرهنگی است.



مدل ۱. مدل نظری و مفهومی تحقیق

در این مدل که براساس ادبیات نظری و مفهومی پیش‌گفته ساخته شده است، در زمینهٔ اکتساب تکنولوژی خارجی در یک جامعهٔ سنتی، این سنت‌ها هستند که براساس نظام ارزشی و هنجاری امکان پذیرش تکنولوژی را فراهم می‌کنند. بدین‌معنی که رابطهٔ متقابلی بین اکتساب تکنولوژی و نظام ارزشی جامعهٔ سنتی وجود دارد. تا زمانی که نظام

www.SID.ir

Archive of SID

ارزشی/ هنجاری جامعه موافق ورود و انتقال تکنولوژی نباشد امکان پایداری آن وجود ندارد. هم‌زمان با ورود و انتقال پدیدهٔ تکنولوژی به جامعهٔ سنتی، پیامدهای آن نیز کم‌کم آشکار می‌شود. اگر پیامدهای اقتصادی و فنی آنی و لحظه‌ای خود را نشان می‌دهند، پیامدهای اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی در طول زمان آشکار می‌شوند. طبیعی است که بررسی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی دشوارتر باشد، چراکه این تغییرات تدریجی روی می‌دهد. در این مطالعه بخش اقتصادی و فنی مطالعه نشده و فرض بهبود در وضعیت مردم (با استناد به مطالعهٔ ذکرشده در این مقاله) پذیرفته شده است. اما در بخش اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی با سه پیامد اصلی روبه‌رو هستیم:

الف) به‌لحاظ زیست‌محیطی، پیامدهای فاجعه‌بار صنعت تقریباً در همهٔ جوامع مشهود بوده است، ولی تنها بعد از چند دهه از ورود تکنولوژی به اقتصاد درحال توسعه، به پیامدهای زیست‌محیطی تکنولوژی خارجی توجه شده است. به همین دلیل توجه به پیامدهای زیست‌محیطی جهت سنجش پایداری تکنولوژی در تحلیل‌های جدید پیامدهای ورود تکنولوژی ضروری به‌شمار می‌رود. نظام تکنولوژیکی که نتواند الزامات زیست‌محیطی را لحاظ کند کمتر می‌تواند تداوم داشته باشد.

ب) به‌لحاظ تغییر در نگرش به نظر می‌رسد تغییراتی در ابعاد نگرشی و ارزشی انسان‌ها در طول زمان ایجاد خواهد شد و این مسئله پذیرفته شده است که ظهور جامعهٔ صنعتی و انتقال تکنولوژی در نظام ارزشی و هنجاری تغییرات فرهنگی ایجاد می‌کند. درنتیجه، مشاهدهٔ این تغییرات و بررسی آنها کاری بوده است که اکثر صاحب‌نظران به آن توجه کرده‌اند، اگرچه به‌نظر نمی‌رسد این تغییرات و پیامدهای صنعت همه‌جا یکسان باشد. این ابعاد شامل نگرش به زمان، کار، تحصیل و مواردی از این قبیل است که در مطالعهٔ حاضر بر این دو بخش تأکید شده است.

ج) ازسوی دیگر، صنعت تغییراتی در زندگی روزمره نیز ایجاد کرده است. این موارد شامل تغییر در سطح ارتباطات، تنوع، تحرک، مقیاس و مواردی از این قبیل است. هم‌زمان و در این بعد، پیامدهای آسیب‌زایی نیز به دنبال دارد که شامل نابرابری در استفاده از فرصت‌ها و مسائل روحی و روانی است. این امر مبین پیامدهای متناقض ورود تکنولوژی به جامعه است. تحول در زندگی روزمره شامل ابعادی از این قبیل است: تنوع (پورشه، ۱۳۵۳: ۴-۲۳)، حجم، مقیاس، ارتباطات (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۳؛ هیویت و دیگران، ۱۳۷۷: ۷-۵۶؛ کمپ، ۱۳۷۹: ۵-۸۴)، سرعت (ایلیچ، ۲۵۳۶: ۶-۳۵؛ فریدمن، ۲۵۳۶: ۴-۲۳)، تغییر (اشتن، ۱۳۷۵: ۱۲۲)، تحرک (برین، ۱۹۹۸: ۶-۱) و مواردی از این قبیل که بر اکتساب تکنولوژی تأثیر می‌گذارند.

www.SID.ir

Archive of SID

اما آنچه در این مطالعه برای ما حائز اهمیت بوده و در مطالعات دیگر از آن غفلت شده است، توجه به پایداری بخشی از نظام سنتی و ارزش‌ها و هنجارهای بومی در فرایند انتقال تکنولوژی و توسعه است.

در پایان این مطالعه خواهیم دید که براساس این موارد و توجه به پیامدهای همه‌جانبهٔ انتقال تکنولوژی می‌توان نتیجه گرفت که درنهایت انتقال تکنولوژی پیامدهای متناقضی دارد و توسعه به شیوه‌ای "نامتوازن" رخ می‌دهد.

روش‌شناسی مطالعه

به‌کارگیری مدل ترکیبی به مثابهٔ روش مطالعه

همان‌طور که گفته شد، در روش ترکیبی محقق از پارادایم کیفی برای یک مرحله از تحقیق و از پارادایم کمی برای مرحلهٔ دیگری از تحقیق استفاده می‌کند. مدل ترکیبی تحقیقی است که در آن محقق رویکردهای کمی و کیفی تحقیق را در یک مرحله از تحقیق با هم یا در طول فرایند تحقیق ترکیب می‌کند. ازاین‌رو این مطالعه را می‌توان درقالب مدل ترکیبی قرار داد تا روش ترکیبی.

محققان طی دهه‌های متمادی تحقیقاتی را با روش‌های تحقیق ترکیبی باعنوان‌های متفاوت ازجمله طرح‌های تحقیق چندروشی، ادغام‌شده، دورگه یا روش‌شناسی ترکیبی انجام داده‌اند (کراسول و کراک، ۲۰۰۷: ۶). دلایل استفاده از این روش‌ها متفاوت است، اما این روش‌ها معمولاً به منظور بسط و توسعهٔ حیطهٔ تحقیق جهت جبران ضعف رویکردهای کمی و کیفی به‌کار می‌روند (بلاک، ۱۹۸۹؛ گرین، کراسلی و گراهام، ۱۹۸۹؛ راسمن و ویلسون، ۱۹۹۱). اصطلاح کمی‌کردن به منظور توصیف فرایند انتقال داده‌های کیفی کدگذاری‌شده به داده‌های کمی و اصطلاح کیفی‌کردن به منظور توصیف فرایند تبدیل داده‌های کمی به داده‌های کیفی به‌کار می‌رود (تشکری و تدلی، ۱۹۹۸: ۱۲۶).

جامعهٔ آماری این مطالعه کلیهٔ افراد مشغول به‌کار در کارخانه‌های پیرانشهر و مهاباد و دیگر افرادی هستند که در این دو شهر سکونت دارند.

جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کیفی، و تکنیک‌های مصاحبهٔ عمیق و گروه‌های محوری و روش کمی پرسش‌نامه استفاده شده است. در این زمینه ۴۰۱ پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته در دو مکان نظام کارخانه‌ای و غیرکارخانه‌ای در شهرهای پیرانشهر و مهاباد تکمیل شده است. در بخش کیفی هفت مورد گروه‌محوری در نظام کارخانه‌ای و شصت مصاحبهٔ عمیق صورت گرفت.

www.SID.ir

Archive of SID

راهبرد نمونه‌گیری در روش ترکیبی این مطالعه نمونه‌گیری روش‌های ترکیبی موازی[1] (نمونه‌گیری احتمالی کمی و نمونه‌گیری هدفمند کیفی) است. نمونه‌گیری ترکیبی موازی راهبردی است که در آن فنون نمونه‌گیری احتمالی برای تولید داده‌ها در گام یا رشتهٔ کمی به‌کار می‌روند و فنون نمونه‌گیری هدفمند برای تولید داده‌های لازم در رشته یا گام کیفی استفاده می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۲۹). مثل تمام تحقیقات دیگر که محقق داده‌های خام را مقوله‌بندی می‌کند تا الگوها را از آن استخراج کند (نیومان، ۱۹۹۷: ۴۲۲)، ما نیز درنهایت بعد از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفهوم اساسی توسعهٔ نامتوازن را استخراج کردیم.

همان‌طور که روش‌های گردآوری اطلاعات ترکیبی است، روش تجزیه و تحلیل آن هم ترکیبی است. در این مطالعه از نظریهٔ زمینه‌ای[2] برای تحلیل داده‌های بخش کیفی و از بستهٔ نرم‌افزاری علوم اجتماعی[3] نسخهٔ ۱۸ برای تحلیل داده‌های بخش کمی استفاده شده است.

معرفی میدان مطالعه

نباید فراموش کرد که کردستان یگانه سرزمینی نیست که مسکن چادرنشینان یا کشاورزان باشد، بلکه شهرها و شهرک‌هایی نیز هستند که در آنها بعضی سنت‌های صنعت‌گری و شیوه‌های کار شکل گرفته است. برای مثال کافی است از وان، بیتلیس، اربیل، سنه (سنندج)، ساوجبلاغ (مهاباد) و غیره نام ببریم که در عین اینکه از مراکز شهری خالص کرد هستند، محیط مساعدی برای بسط و توسعهٔ صنعت به اشکال مختلف (چرم‌سازی، فلزات، چوب و غیره) به‌شمار می‌روند (نیکیتین، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

منظور از جنوب آذربایجان غربی غالباً مناطق کردنشینی است که در عصر صنعتی‌شدن، با تأخیر قدم به عرصهٔ صنعتی‌شدن گذاشته‌اند و براین‌اساس نتوانسته‌اند روندی منطقی در صنعتی‌شدن را طی کنند. کارخانه‌هایی که در این مناطق مورد توجه قرار گرفته‌اند بیشتر در شهرهای مهاباد و پیرانشهر قرار گرفته‌اند. ازیک‌سو به این دلیل که در این مناطق کارخانه‌ها دارای بیش از چهار دهه سابقه بوده‌اند و ما راحت‌تر می‌توانستیم پیامد آن را از هر جهت مطالعه کنیم و ازسوی دیگر به‌لحاظ رشد و توسعهٔ واحدهای صنعتی به نسبت مناطق همجوار در وضعیت بهتری قرار داشتند.

[1] Parallel Mixed Methods Sampling
[2] Grounded Theory
[3] Statistical Package for the Social Science (SPSS)

www.SID.ir

Archive of SID

نمونه‌های نظام کارخانه‌ای شامل صنایع ممتاز الکتریک-کلید و پریز مهاباد، قطعات الکتروموتورهای خانگی و صنعتی مهاباد، کارخانهٔ خوراک دام و طیور میلاد مهاباد، مجتمع کشت و صنعت مهاباد، شرکت کیوان مرغ پرطلای مهاباد، صنایع غذایی شلر مهاباد، کارخانهٔ قند پیرانشهر و الکل پیرانشهر بوده‌اند.

یافته‌های مطالعه

یافته‌های بخش کمی

در زمینهٔ نگرش به بسیاری متغیرهای تعریف‌شده ازقبیل عقلانیت، رقابت، و نگرش به زمان تفاوت معنی‌داری دست‌کم بین یکی از نمونه‌های خارج از نظام کارخانه‌ای و کارکنان مشغول به کار در کارخانه‌ها وجود داشت. با وجود این، تفاوت معنی‌داری بین دو متغیر مکان (نظام کارخانه و غیر کارخانه-مهاباد و پیرانشهر) و انگیزهٔ خوشبختی و نیز مکان و نگرش به حقوق زنان وجود نداشت.

در این زمینه به یکی از یافته‌ها اشاره می‌کنیم. در زمینهٔ نگرش به کار بین نمونه‌های کارخانه و افراد نمونهٔ خارج از کارخانه در پیرانشهر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با وجود این، بین افراد نمونهٔ کارخانه و نمونهٔ خارج از کارخانه در مهاباد در سطح ۹۵درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین نمونه‌های خارج از کارخانهٔ پیرانشهر و مهاباد نیز در نگرش به کار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در جدول۱ نیز نشان داده شده است که دو نمونهٔ نظام کارخانه‌ای و پیرانشهر در یک ستون و مهاباد در ستون دیگر قرار دارند. جهت آزمون رابطهٔ بین دو متغیر نگرش به کار و مکان از آمارهٔ کی‌دو و جهت شدت رابطه از آمارهٔ وی کرامر استفاده شده است. میزان کی‌دو برابر با ۴۷/۱۵۸ بوده است. درجهٔ آزادی ۴ است و با توجه به معنی‌داری در سطح ۹۹درصد نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین مکان و نگرش به کار وجود دارد. بدین‌معنی که هرچه افراد بیشتر وارد نظام کارخانه‌ای شوند اهمیت کار را بیشتر ارزیابی می‌کنند و برای هر کاری ارزش قائل می‌شوند. درواقع ازمنظر آنها فرد اگر توانایی کار داشته باشد و کار هم مهیا باشد باید کار کند و جوهر خود را در کار به نمایش بگذارد. جهت شدت رابطهٔ بین دو متغیر اسمی و ترتیبی از آمارهٔ وی کرامر استفاده شده است که ۰/۲۴۲ بوده و مبین ضعف این رابطه است. با توجه به معنی‌داری ۹۹درصد می‌توان نتیجه را با اطمینان ۹۹درصد به جامعه تعمیم داد. ازاین‌رو فرضیهٔ صفر مبنی بر فقدان رابطهٔ بین دو متغیر مکان و نگرش به کار رد می‌شود.

جدول۱. آزمون تفاوت متغیرهای کار و مکان (Homogeneous Subsets)

مکان	N	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
مهاباد	۱۵۳	۱۸/۶۶۶۷	
پیرانشهر	۱۳۲		۲۰/۴۰۹۱
کارخانه	۱۱۶		۲۰/۷۲۴۱
معناداری		۱/۰۰۰	۰/۷۵۵

www.SID.ir

Archive of SID

همان‌طورکه در آمارهٔ کی‌دو مشخص شد تفاوت معنی‌داری بین دو متغیر مکان و نگرش به کار وجود دارد. اما برای کسب اطمینان از اینکه بین چه گروه‌هایی تفاوت وجود دارد از آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها و آمارهٔ شفه استفاده شده است. در این جدول نمونهٔ مهاباد در نگرش به کار در یک ستون و نمونه‌های نظام کارخانه‌ای و پیرانشهر در ستون دیگر قرار گرفته‌اند که مبین وجود تفاوت در نگرش به کار بین نمونهٔ پیرانشهر و نظام کارخانه‌ای با نمونهٔ مهاباد است. در بیشتر موارد دیگر نیز چنین تفاوت‌هایی مشاهده شده است.

براساس تحلیل دومتغیرهٔ داده‌ها به وجود تفاوت‌های معنادار در میزان بروز تغییرات ارزشی- هنجاری برحسب مکان پی‌بردیم. به منظور کشف روابط بین متغیرهای تحت مطالعه از تحلیل طبقات چندگانه استفاده کرده‌ایم. بنابراین با استفاده از این تکنیک و به صورت گام‌به‌گام، به بررسی تأثیر اهمیت نسبی مکان و دیگر عوامل اجتماعی-جمعیتی تحت بررسی بر میزان تغییرات ارزشی- هنجاری جامعهٔ هدف پرداختیم. مراحلی که برای انجام این تحلیل طی کردیم از این قرار بود:

ابتدا متغیرهای مستقل سن و درآمد را که در سطح فاصله‌ای قرار داشتند با دستورات خاص اس. پی. اس. اس. به سطح مقوله‌ای یا ترتیبی تبدیل کردیم. بنابراین متغیرهای مستقل واردشده در تحلیل چندمتغیره به ترتیب عبارت بودند از:

مکان به‌مثابهٔ یکی از منابع تغییر یا عدم تغییر ارزشی (با سه مقولهٔ کارخانه، پیرانشهر، مهاباد)؛

جنسیت (با دو مقولهٔ مرد، زن)؛

سن (با پنج مقولهٔ کمتر از ۲۵ سال، ۳۳-۲۶ سال، ۴۲-۳۴ سال، ۵۰-۴۳ سال، ۵۱ سال و بیشتر)؛

سطح تحصیلی (با شش مقولهٔ بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر)؛

شغل (با پنج مقولهٔ بیکار، کارگر ساده، مسئول خدمات فروش، سرپرست، مدیر)؛

درآمد (با شش مقولهٔ بدون درآمد، کمتر از ۲۵۰ هزار تومان، ۲۵۱ تا ۳۵۰ هزار تومان، ۳۵۱ تا ۴۵۰ هزار تومان، ۴۵۱ تا ۵۵۰ هزار تومان، بالاتر از ۵۵۱ هزار تومان).

متغیر وابستهٔ تحقیق نیز میزان تغییرات ارزشی-هنجاری در جامعهٔ تحت مطالعه بود که با توجه به نگرش پاسخگویان به گویه‌های مختلف ازجمله زمان، کار، تحصیلات، محلی‌گرایی و خانواده‌گرایی، رقابت، ماهیت خوشبختی، نگرش به زندگی، ساختن جامعه، نگرش به زنان و عقلانیت در سطح فاصله‌ای با دادن کُدهای تصنعی[1] صفر به معنای تغییرات کم و یک به معنای تغییرات زیاد ایجاد شد.

[1] Dummy Variable

www.SID.ir

Archive of SID

بعد از آماده‌سازی داده‌ها، تحلیل چندمتغیره به روش گام‌به‌گام انجام گرفت. هدف تحلیل چندمتغیره این بود که ببینیم میزان تغییرات ارزشی-هنجاری براساس مکان چگونه است؟ و با کنترل ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی پاسخگویان چه تغییری می‌کند؟ درواقع، می‌خواستیم بدانیم که با همانندشدن افراد تحت مطالعه در ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی، تفاوت در تغییرات ارزشی-هنجاری ناپدید می‌شود یا همچنان اساسی باقی می‌ماند. در جدول ۲ نتایج تحلیل طبقات چندگانه به صورت خلاصه و اساسی آمده است.

جدول ۲. مدل‌ها و ضرایب بتای مربوط به تأثیر متغیرهای مختلف بر میزان تغییرات ارزشی-هنجاری جامعهٔ تحت مطالعه

متغیرها		بتا						اتا
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	
مستقل	مکان	۰/۳۷۴	۰/۴۱۲	۰/۳۴۷	۰/۳۴۲	۰/۳۴۱	۰/۲۹۸	۰/۳۷۴
متغیرهای کنترل (مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی)	جنسیت		۰/۲۱۱	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۳۷	۰/۲۴۷	۰/۱۱۹
	سن			۰/۲۲۲	۰/۲۲۴	۰/۲۰۸	۰/۲۱۴	۰/۲۸۷
	تحصیلات				۰/۱۸۲	۰/۱۷۶	۰/۱۸۶	۰/۲۲۱
	شغل					۰/۱۰۷	۰/۱۸۲	۰/۲۱۹
	درآمد						۰/۲۰۴	۰/۲۳۸
درصد واریانس تبیین‌شده		۰/۱۴۰	۰/۱۷۵	۰/۲۱۷	۰/۲۲۷	۰/۲۵۲	۰/۳۶۳	
آزمون آماری (اف)		۲۵/۷۷۲	۱۳/۴۶۴	۴/۱۳۶	۳/۳۷۷	۱/۰۲۷	۱/۶۰۹	
سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۳۹۴	۰/۱۵۸	

در جدول ۲ مقادیر بتا در ردیف اول، نسبت همبستگی مکان با میزان تغییرات ارزشی-هنجاری را با حضور دیگر متغیرها طی شش مرحله نشان می‌دهد. براساس این جدول، شدت رابطهٔ مکان با میزان تغییرات قبل‌از ورود متغیرهای دیگر به معادله ۰/۳۷۴ است (مدل اول)؛ یعنی به‌ازای هر واحد تغییر در مکان، به اندازهٔ ۰/۳۷۴ واحد در ابعاد ارزشی-هنجاری افراد جامعهٔ تحت بررسی تغییر ایجاد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که متغیر مکان تأثیر زیادی بر تغییرات ارزشی-هنجاری دارد؛ چراکه به‌تنهایی ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است. به‌علاوه، تأثیر مستقل مکان بر تغییرات ارزشی- هنجاری در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است (۰/۰۰۰ = معناداری، ۲۵/۷۷۲= اف). با ورود متغیر جنسیت (به‌منظور کنترل یکی از متغیرهای دموگرافیک) به معادله (مدل دوم)، شدت رابطهٔ مکان و متغیر وابسته بیش‌از ۹ درصد افزایش یافته و از ۰/۳۷۴ به ۰/۴۱۲ رسیده است. در این مرحله واریانس تبیین‌شده نیز از ۱۴درصد به ۱۷/۵درصد افزایش یافته است. این یافته بدان‌معنی است که همراه‌شدن متغیر جنسیت با متغیر اولیه (مکان) نه‌تنها شدت رابطهٔ اولیه را کاهش نداده بلکه باعث افزایش آن هم شده است. اما در مدل سوم با ورود دیگر متغیر جمعیتی، یعنی سن پاسخگویان در معادله، شدت رابطهٔ یادشده نسبت به دو مدل قبلی کاهش یافته و به ۰/۳۴۷ رسیده است؛ به‌طوری‌که میزان کاهش رابطه نسبت به

www.SID.ir

Archive of SID

مدل دوم حدود ۱۶ درصد و نسبت به مدل اول بیش‌از ۹ درصد بوده است. ضمناً، واریانس تبیین‌شده در این مرحله به ۲۱/۷ درصد رسیده است. همراه با اضافه‌شدن متغیر تحصیلات به معادله در مدل چهارم رابطهٔ مکان با تغییرات ارزشی‌ـهنجاری دوباره کاهش اندکی یافته و به ۰/۳۴۲رسیده است. واریانس تبیین‌شده نیز به ۲۲/۷ درصد افزایش یافته است و این مدل نیز در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است (۰/۰۰۵ = معناداری، ۲۵/۷۷۲ = اف). با اضافه‌شدن متغیر وضعیت شغلی پاسخگویان به معادله، رابطهٔ مکان و تغییرات ارزشی‌ـهنجاری تغییر محسوسی پیدا نکرده و به ۰/۳۴۱ رسیده است. با وجود این، واریانس تبیین‌شده از ۲۲/۷ درصد به ۲۵/۲ درصد ارتقا یافته است (مدل پنجم). درنهایت با اضافه‌شدن متغیر درآمد یا به‌عبارتی درصورت کنترل هم‌زمان متغیرهای دموگرافیک و اجتماعی، نسبت همبستگی مکان و تغییرات ارزشی‌ـهنجاری به‌طور محسوسی ضعیف شده و به ۰/۲۹۸ رسیده است (مدل ششم). در ضمن در مرحلهٔ ششم شدت رابطه و همبستگی اولیهٔ مکان و تغییرات ارزشی‌ـهنجاری با کنترل هم‌زمان متغیرهای تأثیرگذار دیگر، بیش‌از ۲۰ درصد ضعیف شده است. مجموع این عوامل حدود ۳۶ درصد از تغییرات ابعاد ارزشی‌ـهنجاری جامعهٔ تحت مطالعه را تبیین کرده‌اند و باتوجه به ضرایب اتا به ترتیب متغیرهای مکان، سن، درآمد، تحصیلات، شغل و جنسیت پاسخگویان بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس متغیر وابسته داشته‌اند.

نکتهٔ جالب توجهی که این تحلیل به ما می‌نمایاند این است که تا مرحلهٔ چهارم، یعنی تا زمان ورود متغیرهای مستقل مکان، جنسیت، سن و تحصیلات پاسخگویان، رابطهٔ مکان به‌منزلهٔ بُعد مهمی از بروز تغییرات ارزشی‌ـهنجاری همچنان با متغیر وابسته معنی‌دار است، اما در مدل پنجم و ششم با اضافه‌کردن متغیرهای شغل و درآمد به معادله، معنی‌داری ارتباط بین مکان و تغییرات ارزشی‌ـهنجاری از بین می‌رود. به‌عبارت دیگر، کنترل هم‌زمان مشخصه‌های جمعیتی‌ـاجتماعی پاسخگویان در مرحلهٔ ششم رابطهٔ اولیهٔ مکان و متغیر وابسته را از بین برده است و تأثیر مستقل مکان بر تغییرات ارزشی‌ـهنجاری معنی‌دار نبوده است (۰/۱۵۸ = معنی‌داری، ۱/۶۰۹ = اف).

باید گفت اگرچه متغیر مکان به علت وضعیت خاصی که بر محیط آن حاکم است عامل مهمی برای ایجاد تغییرات ارزشی‌ـهنجاری در جامعهٔ تحت مطالعه تلقی می‌شود، نتایج این تحلیل گویای آن است که کنترل ویژگی‌های اجتماعی‌ـجمعیتی پاسخگویان یا همسان‌سازی آنها ازنظر ویژگی‌های اجتماعی و دموگرافیک، واکنش آنها دربرابر تغییرات ارزشی‌ـهنجاری را در نظام کارخانه‌ای و غیرکارخانه‌ای مشابه می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

یافته‌های بخش کیفی

تحلیل داده‌های کیفی عبارت است از جست‌وجوی الگوها در داده‌ها. در این نوع تحلیل، نظریه توصیفی از الگوهاست که می‌توان آنها را در داده‌ها یافت (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

بسترهای ورود پدیده و وضعیت تعاملی

در مرحلهٔ اول صنعتی‌شدن در کردستان، بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، صنعت رشد زیادی نداشته است. بعد از آن با توجه به نیاز جامعه و تمایل بخش خصوصی و تعاونی به صنعت و ورود تکنولوژی جدید به جامعهٔ سنتی، زمینه‌ای فراهم شد تا در مراحل مختلف تکنولوژی جدید وارد شود؛ به ایجاد شهرک‌های صنعتی و تشکل‌های مختلف صنعتی توجه شود و ازسوی دیگر به‌دلیل هماهنگی بیشتر اداره‌ها، مدت زمان اجرای پروژه‌ها کاهش یابد. وجود مدیران برتر و کارآفرین به این بخش نیز مزید بر علت شد تا نه‌تنها تکنولوژی به کردستان وارد شود، بلکه در این زمینه موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند که می‌توان به شرکت‌های صنایع ممتاز الکتریک، کیوان مرغ پرطلای مهاباد، کشت و صنعت و صنایع غذایی شلر مهاباد اشاره کرد. براساس نیازی که جامعهٔ روبه‌رشد به برآورده‌کردن نیازهای جمعیتی داشت و جایگاه استعلایی کارخانه و صنعت دربین سرمایه‌داران، ورود تکنولوژی به جامعهٔ کردستان با اقبال روبه‌رو شد. به بیانی دیگر، نیاز جامعهٔ سنتی به ورود پدیدهٔ جدید باعث اقتباس تکنولوژی جدید شده است. با وجود این، ورود پدیده در دوره‌های مختلف متفاوت بوده و بیشترین رشد صنعت در جامعهٔ مزبور طی پنج سال اخیر بوده است (مصاحبه با کیانی، ۱۳۸۹؛[۱] گرمیانی، ۱۳۸۹)[۲] که ازسوی دولت، اعتبارات زیادی باعنوان "بنگاه‌های زودبازده" به این بخش واگذار شده است و ازطرف دیگر، بخش خصوصی و تعاونی نیز مشارکت جدی در بخش صنعت و معدن داشته‌اند؛ به‌طوری‌که اکثر شرکت‌های تحت مطالعه، درشمار صادرکنندگان محصولات خود بوده و نه‌تنها نیاز بازار داخلی را تأمین کرده‌اند، بخشی از محصول خود را نیز صادر کرده‌اند. اخیراً نیز بزرگ‌ترین کارخانهٔ تولید سرم خاورمیانه و بزرگ‌ترین کارخانهٔ تولید فرش هفتصد شانه برای اولین‌بار در ایران در مهاباد افتتاح شده است که مبین روند روبه‌رشد صنعتی‌شدن منطقه است. با همهٔ این موارد، لازم است که به‌ویژه به نیازهای اساسی جامعه توجه شود و صنایع جدید براساس نیاز جامعه ایجاد شوند. همچنین باید هماهنگی بیشتری جهت پرداخت وام ازسوی بانک‌ها و ایجاد عدالت در پرداخت وام بانکی به همهٔ شرکت‌ها صورت گیرد؛ چراکه در مواردی

[۱] مصاحبه با جعفرکیانی، بخشدار بخش مرکزی مهاباد، ۱۳۸۸

[۲] مصاحبه با فاروق گرمیانی، مدیرعامل شرکت شلر مهاباد، ۱۳۸۹

www.SID.ir

Archive of SID

برخی شرکت‌ها از مزیت نسبی برخوردارند و وام‌های به‌مراتب بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دریافت می‌کنند. این امر میزان موفقیت شرکت‌ها را تاحدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد (مصاحبه با مولودی، ۱۳۹۰).[۱]

یکی دیگر از جنبه‌های مدنظر مدل وضعیت تعاملی است. بدین‌معنی که چه واکنشی به این پدیده در جامعهٔ تحت مطالعه صورت گرفته است. در وضعیت تعاملی ورود تکنولوژی دو واکنش قابل ارزیابی است: ازیک‌طرف با توجه به توسعه‌بخشی بدون ارتباط با جامعه، شاهد بی‌اطلاعی بسیاری از مردم از صنایع منطقه هستیم. یعنی اولین واکنش مردم به این پدیده با توجه به گسترش کم آن، بی‌اطلاعی، بی‌تفاوتی و انفعال بوده است. گلایه‌های مدیران عامل کارخانه‌ها هم تا حد زیادی به همین برمی‌گردد. برای مثال اکثر مردم روستای گوگ‌تپه از کارخانهٔ کلید و پریز که در آنجا واقع شده است و چندین سال است تعطیل شده و به‌جای آن صنایع ممتاز الکتریک ایجاد شده بی‌اطلاع هستند. در مواردی که صنایع کلید و پریز نیز به کمک بخش‌های خصوصی نیازمند بود کمکی دریافت نکرد و بسیاری از ثروتمندان منطقه از کارخانهٔ کلید و پریز استقبال نکردند. آنها بیشتر از راه دلالی سودآوری می‌کردند. این نشان می‌دهد که صنعت کارکردی را که لازم بوده است در مقیاس کلی نتوانسته برآورده کند. به‌عبارتی صنعت محدود و ناکارآمد باقی مانده است؛ چراکه در جنوب آذربایجان غربی که عمدتاً منطقه‌ای کردنشین است روندی منطقی در صنعتی‌شدن اتفاق نیفتاده است. یکی از دلایل آن این است که زمینهٔ تولید در منطقه با استفاده از منابع موجود مهیا نشده و مواد خام هم در داخل تولید نشده و به واردات مواد خام وابسته است. ازسوی دیگر، بخش عمدهٔ تولیدات کشاورزی هم سنتی است و حمایت منطقی برای مکانیزه‌کردن آن صورت نگرفته است. ضمن اینکه تمام آثار منفی صنعتی‌شدن را ایجاد کرده است.

واکنش دوم پذیرش است که برای افرادی که با صنعت در ارتباط‌اند و صنعت به بخشی از زندگی آنها تبدیل شده است پیامدهایی متصور هستیم که شامل ابعادی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. استدلال ما این است که ورود پدیدهٔ موردنظر، با توجه به بسترهای پیش‌گفته با واکنش‌هایی روبه‌رو بوده است؛ بدین‌معنی که واکنش و وضعیت تعاملی به دو صورت خود را نمایان کرده است: ازیک‌طرف اکثر مردم را دربرنگرفته و در مقیاس محدودی واردشده و به همان صورت باقی مانده است. ازطرف دیگر در مقیاس محدود پیامدهایی را برای کارکنان شاغل در کارخانه به ارمغان آورده است که در این مدل با عنوان ابعاد پیامدی نمایان شده است؛ بدیـن‌معنی که این ابعاد برای درک پیامد اثر تکنولوژی بر کارکنان داخل کارخانه طراحی شده است و قابلیت تعمیم به کل مردم منطقه را ندارد.

[۱] مصاحبه با عبدالعزیز مولودی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی، ۱۳۹۰

www.SID.ir

Archive of SID

پیامدهای ورود تکنولوژی به جامعهٔ کردستان

در این قسمت به بخشی از یافته‌های کیفی درباب پیامدهای ورود تکنولوژی به جامعهٔ کردنشین جنوب استان آذربایجان غربی می‌پردازیم. در جدول‌ها مفاهیم، خرده‌مقولات، مقولات اصلی و شرح‌واره آمده است. برای بخشی از آنها نیز نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق ذکر شده است.

جدول ۳. استخراج مفاهیم و خرده‌مقولاتِ مقولهٔ عمدهٔ ارزش‌های عقلانی براساس روش نظریهٔ زمینه‌ای

ردیف	مفهوم	خرده‌مقوله	مقولهٔ عمده	شرح‌واره Memo
۱	روشنفکری تعقل تدبیر فکر انسانی عقل و خرد فکر وحی تابع عقل است عقل نعمت و هدیهٔ خداست عقل وسیلهٔ تمییز دادن انسان عقل چراغی پرنور در کوره‌راه تاریک زندگی عقل نیروی محرکه و قدرت بزرگی است تفکر یعنی ارزیابی و تعقل یعنی تشخیص مسائل انسان به‌واسطهٔ عقل اشرف مخلوقات است منطق	عقل‌محوری	ارزش‌های عقلانی	ورود تکنولوژی‌های جدید صنعتی به مناطق کردنشین باعث رواج ارزش‌های عقلانی همچون عقل‌محوری، باور به سواد و تخصص، روشن‌اندیشی، تجربه‌باوری و تفکر نو شده است.
۲	تحصیل در هر شرایطی بهتر از کارهای دیگر است. تحصیل دارای اثرات درازمدت است. تحصیل حق فطری هر انسانی است. تحصیل برکت خداوندی است. فراخوان آموزشی اسلام برای همه در ۱۴۰۰ سال قبل تحصیل یک نیاز بشری است. سودمندی درس‌خواندن و آموزش عصر دانش و پیشرفت علاقه و احترام به کاشفان علم ارزشمندی نیروهای متخصص امکانات لازم برای آموزش کتاب رمزگشای مشکلات آگاهی دانستن سحر هم از ندانستن آن بهتر است ارزش و اعتبار کتاب کهنه برای حل مسئله هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون اقراء باسم ربک الذی خلق طلب علم بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است دانشمندان وارثان انبیا هستند	باور به سواد و تخصص		
۳	افرادی دانشگاه را باعث بی‌اخلاقی می‌دانند که دچار انحطاط فکری هستند دانشگاه شکنندهٔ تعصب است تردید در آموخته‌های قبلی به‌واسطهٔ تحصیل در دانشگاه تصفیهٔ عقاید، جایگزینی و تغییر آنها دانشگاهی که در آن آزادی فکر ریشه دارد مولد تفکر سالم، اخلاق سالم و دین سالم است.	روشن‌اندیشی		
۴	تجربه حتی برتر از علم است شکست پل پیروزی و مایهٔ عبرت است استفاده از الگوهای مثبت دیگران گرایش به تجارب جدید	تجربه‌باوری		

www.SID.ir

Archive of SID

"ارزش‌های عقلانی" یکی از مقولات اصلی پیامدهای ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی تحت مطالعه را تشکیل می‌دهد. ورود تکنولوژی جدید صنعتی به مناطق کردنشین باعث رواج ارزش‌های عقلانی همچون عقل‌محوری، باور به سواد و تخصص، روشن‌اندیشی، تجربه‌باوری و تفکر نو شده است. برای نمونه بسیاری از کارکنان به داشتن تجربه اشاره کرده‌اند و در مواردی آن را برتر از علم و آگاهی دانسته‌اند؛ چراکه در مواردی خود تجربه باعث علم و آگاهی فراوانی شده است. نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق در این زمینه چنین است:

> اگر تجربهٔ گذشته را نداشتیم موفق نمی‌شدیم. تجربهٔ گذشته باعث شده با این وضعیت تا به امروز خود را نگه داریم (صنایع ممتاز الکتریک مهاباد). تجربه باعث موفقیت شده است. زمانی که از دانشگاه آمده بودم تجربه نداشتم و فقط به صورت نظری مطالب را یاد گرفته بودم. حالا عمل و تجربهٔ من از شرکت بالاتر است. به‌همین دلیل باورم این است که تجربه در مواردی بالاتر از علم است (محمد ۴۳ ساله از کارکنان صنایع ممتاز الکتریک مهاباد).

عقلانیت یکی از شاخص‌های مدرنیته به‌شمار می‌رود. با وجود این، مطالعهٔ متون و ادبیات سنتی و شفاهی کردها مبین این واقعیت است که عقل از جایگاه والایی برخوردار است و نمی‌توان اهمیت آن را صرفاً به دورهٔ مدرن برگرداند. افرادی که در نظام کارخانه‌ای کار می‌کنند اهمیت بیشتری برای عقلانیت قائل هستند. درباب تحصیل نیز همین‌گونه است و هرچه بر تجربهٔ کار افراد در نظام کارخانه‌ای افزوده شود، اهمیت بیشتری برای تحصیل قائل می‌شوند. برای نمونه نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق چنین است:

> تحصیل و آموزش یا هر امکانات دیگری که در جهان هستی است حق مسلم همهٔ انسان‌ها است و همهٔ انسان‌ها به جهت انسان‌بودن حق استفاده از همهٔ این امکانات را دارند. هرچه دین‌داری توأم با علم و آگاهی باشد ایمان محکم‌تر و پایبندی به اصول اخلاقی بهتر و بیشتر خواهد بود (پریزکار شرکت صنایع ممتاز الکتریک مهاباد ۴۱ ساله).

یکی دیگر از ابعاد پیامدی پدیدهٔ پیش‌گفته "ارزش‌های توسعه‌گرایانه" است. ورود تکنولوژی صنعتی به جامعهٔ کردستان باعث رواج ارزش‌های توسعه‌گرایانه‌ای چون گرایش به فرهنگ توسعه (توسعه‌گرایی)، توسعهٔ فرهنگ مشارکت (مشارکت‌گرایی)، گسترش تعاملات اجتماعی مناسب (تعامل‌گرایی)، و توجه به نیازهای روانی کارکنان (کارمندگرایی یا کارمندمداری) شده است. در این زمینه مشارکت همهٔ کارکنان و تعاملات اجتماعی مناسب با آنها و مراجعه‌کنندگان از اهمیت زیادی برخوردار است. یک شرکت موفق اگر نتواند روابط کارکنان و مصرف‌کنندگان و نیازهای آنها را به‌صورت مناسب تعریف کند امکان موفقیت کمی خواهد داشت. در صورتی که در همهٔ شرکت‌های موفق، مدیران و سرپرستان با

www.SID.ir

Archive of SID

کارکنان و مشتریان روابط مناسبی داشته و نیازهای آنها را برآورده کرده‌اند. این باعث شده است که کارها به نحو منطقی پیش برود. برای نمونه به‌نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق اشاره می‌شود:

> تجربه در موفقیت شرکت اهمیت دارد. از آن مهم‌تر روابط کاری است که باعث درست انجام شدن کار می‌شود. در شرکت کیوان مرغ پرطلای مهاباد دوستی و روابط حسنه‌ای حاکم است. براین‌اساس، کارکنان که تقریباً همه در یک ردهٔ سنی هستند، به همدیگر کمک می‌کنند و تبادل نظر زیادی وجود دارد (یوسف سلیمانی، ۱۳۸۹).[۱]

ازمنظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق رقابت در امور خیر و کارهای پسندیده نه‌تنها نهی نشده است که امری پذیرفتنی است. در بخش کمی نیز مشخص شد که تفاوت معنی‌داری بین مکان (کارخانه و غیرکارخانه) و تمایل به رقابت وجود دارد. افراد شاغل به کار در نظام کارخانه‌ای تمایل بیشتری به رقابت دارند و آن را عامل توسعه و پیشرفت خود و مجموعه می‌دانند.

"ارزش‌های برابری‌طلبانه" نیز یکی از ابعاد پیامدی ورود تکنولوژی به جامعهٔ تحت مطالعه است. ورود تکنولوژی جدید صنعتی به مناطق کردنشین باعث رواج ارزش‌های برابری‌طلبانه‌ای چون نگرش مثبت به حقوق زنان شده است. با وجود این، در بخش کمی مشخص شد که تفاوت معنی‌داری بین نگرش به حقوق زنان با تفکیک کار در کارخانه و غیر از آن وجود ندارد. این نشان می‌دهد جامعهٔ سنتی ارزش زیادی برای حقوق زنان قائل بوده است و ازاین‌لحاظ عنصر تکنولوژیک نتوانسته است تغییر معنی‌داری در آن ایجاد کند. به‌عبارت دیگر، حقوق زنان در فرهنگ و ارزش‌های سنتی کردها رعایت شده است.

جدول ۴. استخراج مفاهیم و خرده‌مقولاتِ مقولهٔ عمدهٔ ارزش‌های سنتی براساس روش نظریهٔ زمینه‌ای

مفهوم	خرده‌مقوله	مقولهٔ عمده	شرح‌واره Memo
رضای خدا خداوند صاحب اصلی ثروت و کائنات برکت خدادادی توکل بر خدا خداوند مدبر امور باقی و پایدار خداست و انسان‌ها فانی خدا را ناظر بر اعمال خود دانسته گوشهٔ چشمی به خدا داشتن از تو حرکت از خدا برکت خداشناسی واقعی ایمان هفتاد و اندی شعبه است. بالاترین آنها ذکر کلمهٔ توحید و پایین‌ترینشان برداشتن مزاحمی است از راه مردم تلاش و کوشش وظیفهٔ ماست ولی نتیجه با خداست.	خدامحوری	ارزش‌های سنتی	ورود تکنولوژی‌های جدید صنعتی به مناطق کردنشین باعث تضعیف ارزش‌های سنتی همچون باور به وحی، پرهیزگاری، سنت‌محوری، قانون‌گرایی شرعی، خدامحوری و قناعت‌پیشگی نشده است.

[۱] مصاحبه با یوسف سلیمانی، از کارکنان کارخانهٔ خوراک دام و طیور کیوان مرغ پرطلای مهاباد، ۱۳۸۹

www.SID.ir

Archive of SID

پیاده‌شدن قوانین الهی آرزوها و اهداف مشروع در اسلام قانون اسلام تفکر دینی فرمان شریعت اسلام برای من اصل است	قانون‌گرایی شرعی		
تقوا و پرهیزگاری در هر زمینه‌ای پرهیز از آلودگی و فساد برای پیشرفت لزوم اکتساب ازطریق سالم و حلال دست‌آوردهای آخرتی پیامبر: هیچ برتری برای فرد عرب بر غیرعرب یا سفیدپوست بر سیاه‌پوست نیست، مگر به پرهیزکاری	پرهیزگاری		
علم بایستی با ایمان همراه باشد عقل نیازمند هدایتگری به نام وحی است وحی چراغ راه ماست احساس آرامش و اطمینان در سایهٔ ایمان و اعتقادات سالم وحی عامل خوشبختی احساس آرامش و اطمینان در سایهٔ ایمان و اعتقادات سالم و صحیح برگرفته از وحی است	باورمندی به وحی		
پیروی از قرآن و سنت تقید به آداب و رسوم عصر بعثت رسول خدا عصر سعادت است ارزش معنوی کارها و ارزش ذاتی برابر نیستند. اعتقاد به خدا، قرآن و پیامبر پیامبر رهبر دینی و مبارک ماست لزوم یادگیری مطالب و آموزه‌های دینی	سنت‌محوری		

یکی دیگر از ابعاد پیامدی ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی "ارزش‌های سنتی" است. این بخش همان ارزش‌های سنتی است که بخش ثابت فرهنگ بومی را دربرمی‌گیرد و مبنای تصمیم‌گیری است. ورود تکنولوژی جدید صنعتی به کردستان باعث تضعیف ارزش‌های سنتی همچون باور به وحی، پرهیزگاری، سنت‌محوری، قانون‌گرایی شرعی، و خدامحوری نشده است و این ارزش‌ها همچنان با ورود صنعت پایدار هستند. از خرده‌مقولهٔ خدامحوری می‌توان به مفاهیم رضای خدا، برکت خدادادی، توکل بر خدا، خداوند صاحب اصلی ثروت و کائنات، خدا را ناظر بر اعمال خود دانستن و خداشناسی واقعی اشاره کرد. در خرده‌مقولهٔ قانون‌گرایی شرعی نیز مفاهیم پیاده‌شدن قوانین الهی، آرزوها و اهداف مشروع در اسلام، قانون اسلام، تفکر دینی و فرمان شریعت اسلام استخراج شده است. خرده‌مقولهٔ سنت‌محوری شامل مفاهیم پیروی از قرآن و سنت، تقید به آداب و رسوم، اعتقاد و باور به خدا، قرآن و پیامبر و لزوم یادگیری مطالب و آموزه‌های دینی است.

ما این بعد سنتی فرهنگ را بخش پایدار فرهنگ نامیده‌ایم که مبنای پیشرفت جامعه است و مقاومت فرهنگی جامعه دربرابر هجوم فرهنگ‌های دیگر براساس این بعد صورت می‌گیرد. این بخش پایدار فرهنگ در جامعه است که به تغییرات بنیادی می‌انجامد. این مقولهٔ اصلی شامل ۳۵ مفهوم است که در پنج خرده‌مقوله جا داده شده‌اند. یکی دیگر از

www.SID.ir

Archive of SID

مواردی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد این است که سنت در جامعهٔ کردستان مانع پیشرفت نیست. افراد زیادی در نظام کارخانه‌ای و خارج از نظام کارخانه‌ای وجود دارند که هم‌زمان با ورود تکنولوژی و دیگر عوامل نوسازی، به خدا، سنت، شرع و وحی باور دارند. برای نمونه نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق چنین است:

> ما که در مکتب اسلام پرورش یافته‌ایم هیچ‌گاه تنبل نبوده و فقر و گوشه‌گیری و انزوا را ستایش نکرده‌ایم. درمقابل بردهٔ مادیات هم نشده‌ایم چراکه خداوند را صاحب همه‌چیز می‌دانیم. سلام و درود و رحمت خدا و رسول و ملائک بر آن پاکبازان باد که در صدر اسلام ثروت خود را در راه رضای خدا و گسترش اسلام خرج کردند. آمین... (یوسف شریفی، کارمند شرکت دام و طیور میلاد مهاباد، ۳۹ ساله).

ازمنظر یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در تحقیق، رشد و ترقی در توجه به ابعاد معنوی، پیرو سنت و قرآن است. او دراین‌باره می‌گوید:

> الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلاة و مما رزقناهم ینفقون. و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون. نشانهٔ ایمان و رشد معنوی پیروی از قرآن و سنت است. خداوند اسباب و ابزار زیادی را در اختیار ما گذاشته که ترقی و پیشرفت صحیح داشته باشیم ولی در کل خداوند مدبر امور است. قناعت به معنای درست‌زیستن و مصرف‌کردن صحیح است (کارمند بخش کنترل کیفیت آزمایشگاه کیوان مرغ پرطلای مهاباد، ۲۹ ساله).

این موضوع و موارد مشابه مبین این مسئله است که نظریه‌های نوسازی مخالف سنت، برای درک جوامع سنتی ازقبیل کردستان نارسا هستند و توانایی درک واقعیات پیچیدهٔ این جوامع را ندارند. ازسوی دیگر توسعه برمبنای همین سنت‌ها درحال شدن و وقوع است. ازاین‌رو برای صنعتی‌شدن نه‌تنها نمی‌توان الگویی جهان‌شمول ارائه کرد و سنت‌ها را از بین برد، بلکه واقعیت این است که در این راه صرفاً با اتکا به سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگ بومی است که فرایند پیشرفت اتفاق می‌افتد. در فرایند مدرن‌شدن، سنت‌ها و ارزش‌های سنتی از بین نمی‌روند، بلکه دوباره ساخته و بازسازی می‌شوند و درکنار ارزش‌های مدرن مجموعهٔ فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند. این باعث پایداری فرهنگی و اجتماعی می‌شود و ازاین‌لحاظ تکنولوژی "ارزش‌های سنتی" را خدشه‌دار نمی‌کند.

پیامدهای زیست‌محیطی ورود صنعت به جامعهٔ کردستان

آلودگی زیست‌محیطی نیز پیامد دیگر ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی است. سرعت نوسازی شکافی بین خطرهای قابل سنجش و خطرهای سنجش‌ناپذیر ایجاد کرده است. تکنولوژی جدید پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر و ناگفتنی را به‌وجود آورده که می‌تواند زندگی در کرهٔ زمین را به خطر اندازد (دنی، ۲۰۰۵). کارخانهٔ الکل پیرانشهر به‌دلیل آلودگی

www.SID.ir

Archive of SID

بیش‌ازحد، بیش‌از یک‌سال تعطیل شد. به نظر می‌رسد که در ارزیابی پیامدهای ورود تکنولوژی به غیر از بخش اجتماعی و فرهنگی، بایست به پیامدهای زیست‌محیطی نیز توجه کرد. به‌همین‌دلیل و براساس مطالب گفته‌شده که در مدل بازنمایی شده است می‌توان گفت درنهایت توسعه در جامعهٔ سنتی تحت مطالعه به شکل نامتوازن رخ داده است.

جدول۵. مشخصات اعضای مشارکت‌کننده در بحث گروه‌محوری کارخانهٔ قند ـ الکل پیرانشهر

مشخصات افراد	سن (به سال)	تحصیلات	سابقه کار (به سال)	رضایت از وضعیت کارخانه	وضعیت شغلی	دلایل پایداری یا ناپایداری تکنولوژی
فرد اول	۴۶	زیر دیپلم	بالای ۲۰	کم	کارگر ساده	مسئله زیست‌محیطی
فرد دوم	۴۸	زیر دیپلم	۲۲	کم	کارگر ساده	مسئله زیست‌محیطی، فقدان تفکر پایداری
فرد سوم	۴۰	زیر دیپلم	۱۹	کم	کارگر ساده	مدیریت نامناسب، فقدان تفکر پایداری
فرد چهارم	۵۴	زیر دیپلم	۱۹	کم	کارگر ساده	پیگیری اداره محیط‌زیست، نابرابری در پرداخت و فقدان انگیزه در کارکنان
فرد پنجم	۵۸	زیر دیپلم	۲۷	متوسط	کارگر ساده	پساب صنعتی، عدم توجه به کار مضاعف
فرد ششم	۴۷	زیر دیپلم	۲۴	متوسط	کارگر ساده	نبود انگیزه، مخاطرات کاری، حقوق پایین
فرد هفتم	۴۵	زیر دیپلم	۲۲	متوسط	کارگر ساده	تفکر مدیران کارخانه
فرد هشتم	۳۷	زیر دیپلم	۱۰	کم	کارگر ساده	عدم بهره‌برداری مناسب از نیروی کار، نبود انگیزه در کارکنان، فقدان دورهٔ آموزشی

با توجه به اینکه تعداد کارکنان کارخانهٔ الکل محدود بود و درهنگام مراجعهٔ ما پلمپ شده بود ما این گروه محوری را به‌صورت مشترک از اعضای کارخانهٔ قند و الکل و در یکی از کارگاه‌های کارخانهٔ قند پیرانشهر در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۸۹ انجام دادیم. مهم‌ترین مسئلهٔ کارخانهٔ الکل رعایت‌نکردن استانداردهای زیست‌محیطی است. ازآنجاکه تعدادی از کارکنان کارخانهٔ قند مشکل خود را در تک‌محصولی‌بودن کارخانهٔ قند دیده و راه‌حل آن را تنوع تولید می‌دانستند، وجود کارخانهٔ الکل در کارخانهٔ قند می‌توانست این راه‌حل را پوشش دهد. با وجود این، کارخانه تعطیل شده بود. بنابراین علت را از مشارکت‌کنندگان در تحقیق جویا شدیم. بسیاری از کارکنان کارخانه از اینکه در زمینهٔ مسئله‌داربودن کارخانهٔ الکل صحبت کنند پرهیز داشتند و به نوعی می‌خواستند از مسئله دوری کنند. به نظر آنها انعکاس رسمی این مباحث برای آنها ایجاد مشکل می‌کند؛ چراکه سابقهٔ گزارش آلودگی به مرکز بهداشت را داشته‌اند و بازخواست شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

فرد اول دراین‌باره بر این باور است:

تنها مورد مشکل‌زا عبارت است از بوی ناشی از تبخیر پساب که در اثر وزش باد و حتی نسیم‌های عادی به اطراف و خصوصاً فضای داخل روستاها جریان می‌یابد و سبب آزار و ناراحتی می‌شود که سیستم تغلیظ جهت رفع این معضل در دست مطالعه و بررسی است. برای سلامتی کارکنان توجه به محیط ورزشی و امکانات رفاهی و فضای سبز ضروری است. اینجا برای این امر فکری و اقدامی نشده است.

فرد دوم مشکل فقدان تفکر پایدار و برنامهٔ اقتصادی بلندمدت را عامل مسئله می‌داند.

فرد سوم بر این باور است که مدیریت به مسائل محیطی بی‌توجه بوده و در این زمینه کوتاهی کرده‌اند. او معتقد است که منطقه مستعد رشد و توسعه برمبنای اقتصاد کشاورزی است. با وجود این، در بسیاری از موارد باید با برنامهٔ دقیق به هدف رسید:

چون در کارخانهٔ الکل تفکر پایداری وجود نداشت و به مسائل زیست‌محیطی بی‌توجه بودند با مشکل مواجه شدند. در طول سالیان متمادی و زمانی‌که کارخانهٔ قند سوددهی زیادی نداشت کارخانهٔ الکل دارای تولید بالا و سوددهی بود. بایست کارخانه‌های جانبی دیگری مانند الکل پیش‌بینی می‌شد نه اینکه آنقدر به محیط‌زیست بی‌توجه باشند که آن را هم تعطیل کنند. مدیریت در این زمینه ناموفق عمل کرده است.

فرد چهارم به پیگیری ادارهٔ محیط‌زیست، نابرابری در پرداخت و فقدان انگیزه در کارکنان اشاره می‌کند.

فرد پنجم ۵۸ ساله در تأیید فرد چهارم می‌گوید:

دو سال است که در کارخانه کمبود چغندر وجود دارد. به خاطر مسئلهٔ شکر کشاورزان چغندر نمی‌کارند. همچنین سم و بذر در اختیار کشاورز قرار نمی‌گرفت. خیلی از کشاورزان بذر را از بازار آزاد می‌خریدند. باید فکری می‌شد که بیشتر کار کنند، نه اینکه توان پرداخت مطالبات کشاورزان و کارگران وجود نداشته باشد. برخی سیاست دولت را در واردات شکر و عدم حمایت طرح می‌کنند. کارفرما باید انگیزه بدهد.

فرد ششم که تأیید همهٔ کارگران دیگر را به‌دنبال دارد می‌گوید:

نبود انگیزه باعث بیزاری کارگر شده است. همه می‌خواهند فرار کنند. دعا می‌کنیم و روزشماری می‌کنیم که بازنشسته شویم. می‌خواهند مثل زنان بعد از ۲۰ سال خدمت بازنشسته شوند. زمانی اگر آنها را اخراج هم می‌کردند نمی‌رفتند الان می‌خواهند فرار کنند. حقوق کم است و توجهی به کارکنان نمی‌شود مخاطرات کاری و کار در الکل بسیار خطرناک است. در دورهٔ دولتی وضع بهتر بود.

www.SID.ir

Archive of SID

فرد هفتم معتقد است:

برای موفقیت رفع مشکل کارگران ضروری است. باید به آنها بیمه داد و با دورهٔ آموزشی انگیزهٔ آنها را بالا برد. برای سوددهی کارخانه بازاریابی درست ضروری است. شاید بتوانند صنایعی که کارگران فصلی را در دورهٔ بیکاری بگیرد تأسیس کنند. در فصل غیربهره‌برداری افراد سیگار می‌کشند و دومینه بازی می‌کنند و این یعنی عدم بهره‌برداری از نیروی کار به شیوهٔ مناسب.

فرد هشتم بر این باور است که:

نظر آقایان درست است اما مسئلهٔ دیگری هم هست. همه‌چیز به دولت برنمی‌گردد. کارخانه‌دار و سرمایه‌دار برای این مواقع باید فکری بکنند. اگر در کارخانهٔ قند آنها حاضر می‌شدند از سود کامل و زیاد خود صرف‌نظر کنند می‌توانستند جلو بحران را بگیرند. هدف دولت از واردات شکر ورشکستگی کارخانه نبود. مدیران کارخانه چندسال شکر ذخیره کردند و بعد با قیمت پایین بعد از چندماه ذخیره‌سازی وارد بازار کردند. آنها همان موقع با دولت بایست شکر را وارد بازار کنند و هزینهٔ بالایی برای انبار ندهند. هیچ عقلی قبول نمی‌کند که هدف دولت شکست چغندرکار باشد. کارخانه باید مشاور اقتصادی خوبی داشته باشد. کارگر ساده هم فکر این را می‌کرد که شکر را ذخیره کند. به‌جای این‌کار و دادن پول به انبار بایست بفروشد و پول کارگران را بدهد.

در این زمینه بی‌توجهی مدیریت به استانداردهای محیطی عامل اصلی تعطیلی کارخانهٔ الکل ذکر شده است. درعین‌حال برخلاف بحث قبلی و در جایی‌که کارکنان کارخانهٔ الکل از مدیریت انتقاد می‌کنند، کارکنان کارخانهٔ قند نیز مسائل خود را مطرح کردند. آنها از نبود امکانات و دورنمای شغلی و مخاطرات این صنعت گله‌مند بودند و از اینکه از توان آنها استفادهٔ بهینه‌ای نمی‌شود ناراضی بودند. درکنار مسائل محیطی، میزان رضایت کارکنان نیز پایین بود. براساس همین ابعاد پیامدی، مفاهیم و خرده‌مقولات ذکرشده، مقولهٔ اساسی "توسعهٔ نامتوازن" استخراج و پیشنهاد شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیامدهای ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی به‌مثابهٔ توسعهٔ نامتوازن[1]

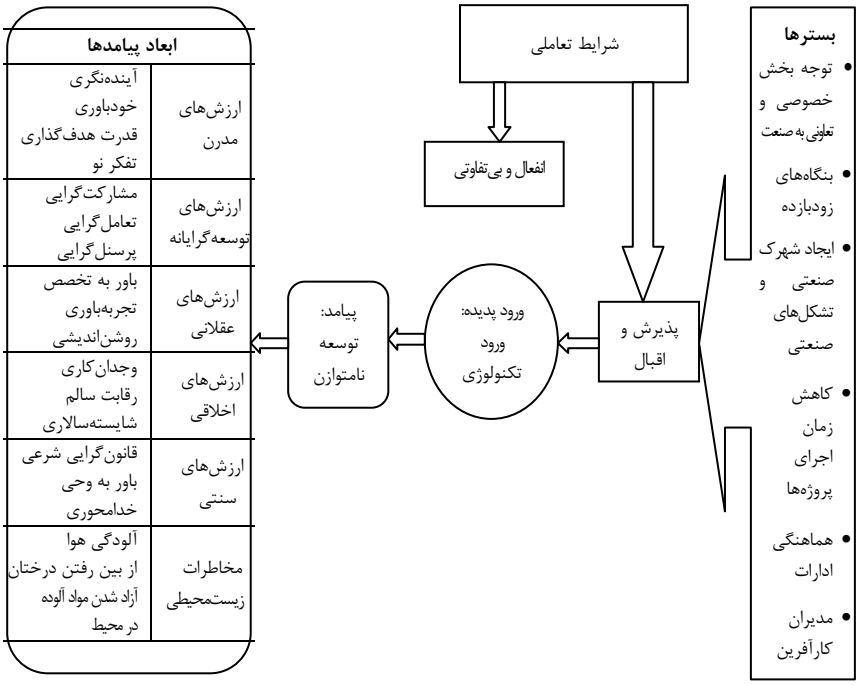
تکنولوژی و صنعت و به‌عبارتی محصولات صنعتی به هر جامعه‌ای وارد شده است و این مسئله باعث دگرگونی‌های بنیادی در زندگی انسان‌ها شده است. تکنولوژی رابطهٔ بین افراد و فضایی را که آنها اشغال می‌کنند دوباره ترکیب‌بندی می‌کند. در عصر حاضر و با توجه به روند روبه‌رشد جمعیت جهان اکثر جوامع در پاسخگویی به نیازهای این جمعیت از ابزار و محصولات تکنولوژیکی و صنعتی بهره می‌گیرند. درواقع نیاز جامعه باعث بهره‌گیری از این

[1] Uneven Development

www.SID.ir

Archive of SID

ابزار می‌شود. در جامعهٔ سنتی و درحال گذار کردستان نیز تاحدودی تکنولوژی‌های مدرنی را در کارخانه‌های صنایع غذایی شلر، خوراک دام و طیور، کشت و صنعت، صنایع ممتاز الکترونیک، الکل، قند و مواردی از این قبیل وارد کرده‌اند. این تحقیق درصدد برآمده است پیامد ورود آنها به جامعهٔ سنتی را مطالعه کند. بدین منظور ما از اصطلاح روش تحقیق ترکیبی به منظور اشاره به همهٔ روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی در بطن مطالعه‌ای واحد استفاده کردیم.



مدل ۲. پیامدهای ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی کردستان به مثابهٔ «توسعهٔ نامتوازن»

این مدل شامل بستر یا زمینهٔ ورود پدیدهٔ مدنظر، وضعیت تعاملی، ورود پدیده، پیامد و ابعاد پیامدی ورود تکنولوژی است. بستر ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی کردستان به چندین عامل برمی‌گردد که به هفت مورد از آنها توجه شده است. مسلم است که عناصر دیگری را نیز می‌توان علت ورود پدیده دانست که شاید یکی از مهم‌ترین آنها بحث امنیت باشد. این مطالعه به این موضوع نپرداخته است و همان‌طورکه پیامد ورود تکنولوژی می‌تواند با بسیاری از عوامل در ارتباط باشد آن را می‌توان در مطالعه‌ای مستقل بررسی کرد.

www.SID.ir

Archive of SID

همان‌طور که اشاره شد ابعاد پیامدی ورود تکنولوژی به جامعهٔ سنتی را به هفت مورد تقسیم کرده‌ایم که خود گویای این امر است که ارزش‌های مدرن و سنتی درکنار همدیگر قرار گرفته‌اند. یکی از این ابعاد ارزش‌های مدرن است که از هفت خرده‌مقوله ساخته شده است. براین اساس، ورود تکنولوژی به جامعهٔ کرستان باعث رواج "ارزش‌های مدرنی" چون تلاشگری، گرایش به فرهنگ کار، خودباوری، آینده‌نگری، امید به زندگی، نگرش مثبت به زندگی، و قدرت هدف‌گذاری شده است. ورود یک پدیدهٔ مدرن به جامعهٔ سنتی باعث ورود ارزش‌های مدرنی می‌شود که براساس تعامل در کارخانه برای افرادی رخ می‌دهد که به‌طور روزمره با تکنولوژی و صنعت در ارتباط هستند. این مسئله در بخش کمی نیز گویا بود که تفاوتی اساسی بین نگرش افرادی که به‌طور روزمره با صنعت در ارتباط هستند و افرادی که با صنعت و نظام صنعتی ارتباط کمتری دارند وجود دارد. قرارگرفتن در دو نظام مکانی متفاوت (کارخانه و غیرکارخانه) احتمال پذیرش تغییرات ارزشی-هنجاری را متفاوت کرده است. این بدان‌معناست که احتمال پذیرش تغییرات ارزشی-هنجاری در نظام کارخانه‌ای بیشتر است. برای نمونه هرچه افراد بیشتر با نظام صنعتی و کارخانه‌ای در ارتباط باشند اهمیت بیشتری به زمان می‌دهند. برخلاف تصوری که فرهنگ جوامع سنتی را به زمان حال و آیندهٔ نزدیک بی‌توجه می‌دانست و معتقد بود که فرهنگ جوامع درحال توسعه اولویت بیشتری به زمان گذشته می‌دهد، دربین مشارکت‌کنندگان در این مطالعه توجه به حال و آیندهٔ نزدیک از اهمیت زیادی برخوردار بود. برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان در نظام کارخانه‌ای می‌گوید:

> آیندهٔ نزدیک برای من اهمیت بیشتری دارد. گذشته که تمام شده است چه خوب و چه بد فایل آن را باید بست، حال می‌تواند خود همان آیندهٔ نزدیک باشد که به نوعی قابل برنامه‌ریزی و پیش‌بینی است. حسرت‌خوردن در مورد گذشته هم چیزی را عوض نمی‌کند، جز اینکه انرژی زندگی امروز را کاهش و تحت تأثیر قرار می‌دهد. از گذشته می‌توان به‌عنوان منبعی از تجربه‌ها برای زندگی امروز استفاده کرد (زن ۲۸ ساله).

همچنین، درباب تلاشگری و فرهنگ کار نیز وضعیت بدین‌گونه است. بدین‌معنی که نه‌تنها هرچه افراد بیشتر با نظام کارخانه‌ای در ارتباط باشند، اهمیت کار را بیشتر ارزیابی می‌کنند؛ بلکه برای هر کاری ارزش قائل هستند و به صرف اینکه مسئلهٔ تلاش در آنها مطرح است هر کاری ارزشمند تلقی می‌شود.

به‌منزلهٔ مقولهٔ اساسی این مطالعهٔ مفهوم "توسعهٔ نامتوازن" پیشنهاد می‌شود که مبین پیامدهای متناقض ورود تکنولوژی به جامعه است. بدون توجه به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی امکان تداوم یک تکنولوژی وجود ندارد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی توسعه* (اصول و نظریه‌ها)، تهران: علم.

اسلوین، جیمز (۱۳۸۰) *اینترنت و جامعه*، ترجمهٔ عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: کتابدار.

اشتن، تی.اس (۱۳۷۵) *انقلاب صنعتی*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: علمی و فرهنگی.

ایلیچ، ایوان (۲۵۳۶) *انرژی و عدالت*، ترجمهٔ محمدعلی موحد، تهران: دانشگاه صنعتی آریامهر.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) *تحول فرهنگی در جامعهٔ پیشرفتهٔ صنعتی*، ترجمهٔ مریم وتر، تهران: کویر.

اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹) *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمهٔ یعقوب احمدی، تهران: کویر.

پورشه، لوئی (۱۳۵۳) *جامعهٔ صنعتی جدید از دیدگاه گالبرایت*، ترجمهٔ مهدی مظفری، تهران: دانشگاه تهران.

توکل، محمد (۱۳۷۳) «پارامترهای فرمی و محتوایی انتقال تکنولوژی: مسئله‌ای در جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی»، *نامهٔ علوم‌اجتماعی*، دورهٔ ۷ ، شمارهٔ ۷: ۱۱۶-۱۰۹.

توکل، محمد (۱۳۸۱) *موانع توسعه: مطالعه مقایسه‌ای ایران با ترکمنستان و مراکش*، تهران: وزارت امور خارجه.

توکل، محمد (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی تکنولوژی*، تهران: جامعه‌شناسان.

سو، آلوین (۱۳۸۶) *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمهٔ محمود حبیبی مظاهری، تهران: مطالعات راهبردی.

فاستر، جرج (۱۳۷۸) *جوامع سنتی و تغییرات فنی*، ترجمهٔ سید مهدی ثریا، تهران: کتاب فرا.

فریدمن، ژرژ (۲۵۳۶) *پاره‌کاری (کار پاره‌پاره)*، ترجمهٔ ویدا ناصحی، تهران: دانشگاه تهران.

کاپلینسکی، رافائل و چارلز کوپر (۱۳۷۴) *تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی*، ترجمهٔ جمشید زنگنه، تهران: وزارت امور خارجه.

کمپ، تام (۱۳۷۹) *تاریخ صنعتی‌شدن*، ترجمهٔ ابراهیم فتاحی، تهران: نی.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹) *فراروش* (بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری)، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد و محمدتقی ایمان (۱۳۸۷) «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامان تخت کردستان ایران: ارائهٔ یک نظریهٔ زمینه‌ای»، *فصلنامهٔ رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شمارهٔ ۲۸: ۲۱۴-۱۹۱.

نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۸) *کرد و کردستان*، ترجمهٔ محمد قاضی، تهران: درایت.

هابسبام، اریک (۱۳۸۷) *صنعت و امپراتوری*، ترجمهٔ عبداله کوثری، تهران: ماهی.

هرسی، پال و کنت بلانچارد (۱۳۸۶) *مدیریت رفتار سازمانی: کاربرد منابع انسانی*، ترجمهٔ قاسم کبیری، تهران: جهاد دانشگاهی، مؤسسهٔ انتشارات ماجد.

هیویت، تام؛ هیزل جانسون و دیو ویلد (۱۳۷۷) *صنعتی‌شدن و توسعه*، ترجمهٔ طاهره قادری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

www.SID.ir

Archive of SID

Moore, Jerry D. (2009) *Visions of Culture: An Introduction to Anthropological Theories and Theorists: Third Edition*, New York: Alta Mira Press.

Barbour, R. S. (1998) "Mixing qualitative Methods: Quality Assurance or Qualitative Quagmire?" *Qualitative Health Research*, 8(3): 352-361.

Bazeley, Pat (2004) "Issues in Mixing Qualitative and Quantitative Approaches to Research: Applying Qualitative Methods to marketing Management Research". *UK: Palgrave Macmillan*, pp141-156.

Blake, R. (1989*) "*Integrating Quantitative and Qualitative Methods in Family Research*". Families Systems and Health* 7:411–427.

Breen, Richard (1998) *National Patterns of Social Mobility*, 1970-1995: Divergence or Convergence? Project Outline.

Creswell, J. W. (2003) "*Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*", Second Edition, and Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Creswell, John W. & V. L. P Clark (2007) "*Designing and Conducting Mixed Methods Research"*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Denney, David (2005) *"Risk and Society"*, London, Thousand Oaks, California: Sage Publications.

Dunmade, Israel (2002) "Indicators of Sustainability: Assessing the Suitability of a Foreign Technology for a Developing Economy", *Technology in Society*, 24 (4): 461-471(11).

Greene, J. & V.Caracelli & W.Graham (1989*)* "Toward a Conceptual Framework for Mixed-Methods Evaluation Designs", *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 11:255-274.

L. Driscoll, David (2007) "Merging Qualitative and Quantitative Data in Mixed Methods Research: How To and Why",*Ecological and Environmental Anthropology*, 3 (1): 19-28.

Numan, Lawrence (1997) *Social Research Methods*, Boston, London, Sydney, Tokyo: Allyn & Bacon.

Parkin, Frank (1972) *Class Inequality and Political Order*, London: Paladin.

Rossman, G. & B. Wilson (1991*)* "Numbers and Words Revisited: Being "Shamelessly Eclectic"", *Evaluation Review*, 9(5):627–643.

Tashakkori, A. & Teddlie, C. (1998) "Mixed Methodology: Combining Qualitative and Quantitative Approaches", Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Wajcman, Judy (2006) "New Connections: Social Studies of science and Technology and Studies of Work", *British Sociological Association, Volume*, 20(4): 773-786.

www.SID.ir